

## بررسی فقهی و اقتصادی وقف دارایی رمازرها

مهدی عادل<sup>۱</sup> | مرتضی مرتضوی کاخکی<sup>۲</sup> | امید عادل<sup>۳</sup>

۱. نویسنده مسئول، دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم اقتصادی - بانکداری اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران؛ طلبه سطح سه حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: [mehdiadel4237@gmail.com](mailto:mehdiadel4237@gmail.com)
۲. استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: [mortazavi.kh@gmail.com](mailto:mortazavi.kh@gmail.com)
۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم اقتصادی - بانکداری اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ طلبه سطح سه حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: [omidadel1638@gmail.com](mailto:omidadel1638@gmail.com)

### چکیده

نهاد وقف به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای تأمین مالی پایدار در جوامع اسلامی، همواره نقش کلیدی در توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ایفا کرده است. با ظهور دارایی های دیجیتال و رمازرها، این پرسش مطرح می شود که آیا می توان چنین دارایی های نوینی را وقف کرد و در مسیر اهداف عام المنفعه به کار گرفت. پژوهش حاضر با رویکردی فقهی-حقوقی و اقتصادی، به بررسی امکان وقف دارایی های رمازری در چارچوب فقه امامیه می پردازد. پرسش های اصلی تحقیق بر سه محور استوار است: ماهیت و مالیت رمازرها، انطباق آن ها با شرایط صحت وقف، و آثار اقتصادی-اجتماعی وقف رمازرها. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه ای و اجتهادی است. نتایج نشان می دهد که رمازرها از منظر فقه امامیه واجد مالیت عرفی و عقلایی بوده و قابلیت تملک، بقا، قبض و اقباض را دارا هستند. هرچند نوسانات قیمتی و نبود چارچوب های حقوقی شفاف از چالش های اساسی اند، اما می توان با بهره گیری از نظریه «وقف مالیت» و ابزارهایی مانند قراردادهای هوشمند، این موانع را برطرف کرد. از منظر اقتصادی، وقف رمازرها ظرفیت بالایی در جذب منابع مالی جدید، افزایش شفافیت و ارتقای کارآمدی نهاد وقف دارد. نوآوری اصلی پژوهش در ارائه چارچوبی نوین برای گذار از «حبس عین مادی» به «حبس مالیت» و تطبیق وقف با اقتضانات اقتصاد دیجیتال است.

**کلیدواژه ها:** وقف، رماز، فقه امامیه، مالیت، اقتصاد دیجیتال.

### مقدمه

نهاد وقف به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای تأمین مالی اجتماعی و پایدار در اسلام، همواره نقش حیاتی در توسعه فرهنگی، آموزشی و اقتصادی جوامع اسلامی داشته است. حتی در جوامع غیراسلامی و کشورهای توسعه یافته، سازمان هایی مشابه نهاد وقف همچون سایر نهادهای مالی با کارایی قابل توجهی شکل گرفته و به سازوکار مؤثری برای تخصیص بهینه دارایی ها، تحقق اهداف اجتماعی و تقویت زیرساخت های اقتصادی تبدیل شده است. در این چارچوب، امروزه سرمایه گذاری در دارایی های موقوفه جایگاه ارزشمندی یافته است. حال با توجه شرایط امروز تحولات اقتصادی و

با ظهور اقتصاد دیجیتال و دارایی‌های ناملموس مانند رمزارزها، این پرسش بنیادین مطرح می‌شود که آیا می‌توان این دارایی‌های نوظهور را به عنوان یک دارایی پایدار و ارزشمند، وقف کرد؟ به نظر می‌رسد این مسئله به دلیل ماهیت خاص رمزارزها (غیرمتمرکز، ناملموس و پرنوسان) و نبود سابقه فقهی و حقوقی مشخص، نیازمند بررسی عمیق و چندبعدی است.

مهم‌ترین شرط اساسی مال موقوفه، «مالیت» آن است. از منظر فقهی، مالیت با دو شرط اصلی تحقق می‌یابد: اولاً، دارایی باید قابل انتفاع بوده و نزد عقلای جامعه دارای منفعت معتبری باشد. ثانیاً، شارع مقدس آن منفعت را حلال بشمارد. برخی فقها شرط سومی نیز ذکر کرده‌اند و آن اینکه شیء مورد نظر از فراوانی مفرط برخوردار نباشد؛ یعنی به راحتی در دسترس نبوده و تحصیل آن مستلزم انجام کاری یا ایجاد معامله‌ای باشد. در نظام‌های حقوقی - فقهی اسلامی، به‌ویژه در مورد وقف نفوذ و ارزش‌های نوین، الزاماتی نظیر لزوم حفظ عین موقوفه، محدودیت‌های تبدیل آن و عدم جواز وقف ارز به صورت سنتی، موانع جدی برای ورود سازمان‌های وقفی به حوزه‌های نوظهور مالی ایجاد می‌کند (سلیمان‌پور و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۴۵). این چالش به‌ویژه در مورد دارایی‌هایی مانند رمزارزها که ماهیت ناملموس و پرنوسانی دارند و سرمایه‌گذاری در آن‌ها مستلزم تبدیل مال به سایر دارایی‌های مالی (مانند ارزهای بیگانه) است، ابعاد پیچیده‌تری می‌یابد؛ امری که به ظاهر با اصل «حفظ عین» در تعارض آشکار قرار می‌گیرد.

با توجه به این ابهامات، پرسش‌های بنیادینی مطرح می‌شود: آیا دارایی رمزارز اساساً مالیت شرعی - حقوقی دارد؟ علاوه بر مالیت، مال موقوفه باید شرایط دیگری نیز داشته باشد از جمله: مملوک بودن (در مالکیت واقف)، قابلیت بقا (اصل مال با انتفاع باقی بماند)، قابلیت انتقال و قابلیت قبض و اقباض (قابلیت تصرف و تحویل به موقوف‌علیه). بنابراین، باید روشن شود که آیا رمزارزها این شرایط را دارا هستند یا خیر؟ در صورت جمع بودن شرایط صحت وقف در دارایی‌های رمزارزی، می‌توان حکم به صحت وقف آن‌ها نمود؛ اما اگر یکی از شرایط اساسی فاقد باشد، وقف آن‌ها فاقد اعتبار شرعی و حقوقی خواهد بود (اسدی و سلطانی، ۱۳۹۴، ص ۳۴).

با این وجود بررسی این موضوع از دو جهت حائز اهمیت است: از منظر فقهی، به روزرسانی احکام و قواعد با توجه به تحولات زمان و مکان و پاسخ به نیازهای جدید جامعه اسلامی ضروری است. از منظر اقتصادی نیز، فراهم کردن بستری

برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های مالی عظیم رمازرها برای مقاصد خیرخواهانه و عام‌المنفعه، به ویژه با توجه به نقش اساسی وقف در کاهش فقر و ایجاد اشتغال، می‌تواند تحولی در حوزه نیکوکاری اسلامی ایجاد کند.

### ضرورت پژوهش

با توجه به چالش‌های مطرح شده، این پژوهش با رویکردی فقهی-حقوقی (مبتنی بر فقه امامیه) و اقتصادی، به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر است:

۱. مالیت دارایی رمازرها در فقه اسلامی چگونه ارزیابی می‌شود؟
  ۲. شرایط و چالش‌های پذیرش دارایی رمازرها به‌عنوان مال موقوفه در نهاد وقف چیست؟
  ۳. آثار و پیامدهای اقتصادی-اجتماعی به‌کارگیری دارایی رمازرها در وقف چیست؟
- روش تحقیق در پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است. بدین معنا که با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، اطلاعات لازم از طریق فیش‌برداری جمع‌آوری شده، سپس مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. تحلیل‌ها بر اساس منابع فقهی، اقتصادی و مالی صورت گرفته و در نهایت، یافته‌ها به‌صورت سیستماتیک و منسجم در قالب متن پژوهش تنظیم شده‌اند. شیوه‌گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای بوده و شامل فیش‌برداری از منابع تخصصی از جمله کتب، مقالات علمی، نوشتارهای پژوهشی و همچنین منابع معتبر اینترنتی در حوزه‌های وقف، رمازرها و مبانی اقتصادی و فقهی مرتبط است. هدف از این گردآوری، بهره‌گیری بهینه از تحقیقات پیشین و دستیابی به بینش جامع در خصوص موضوع پژوهش بوده است.

ابزار تحقیق نیز همانند شیوه‌گردآوری، مبتنی بر فیش‌برداری و مطالعات کتابخانه‌ای بوده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، اجتهادی و مبتنی بر نظریات فقهای معتبر و صاحب‌نظران اقتصادی در زمینه‌های دارایی‌های دیجیتال (رمازرها)، سیاست‌های پولی و ارزی، مبادلات اقتصادی، وقف و امور خیریه است. به عبارت دیگر، تحلیل اطلاعات در این پژوهش با هدف استخراج و تلفیق دیدگاه‌های فقهی و اقتصادی درباره کاربرد رمازرها در نهاد وقف، به‌صورت اجتهادی انجام شده است.

## ۱-۱ - مفهوم رمزارز و ویژگی‌های آن

رمزارز<sup>۱</sup> نوعی دارایی دیجیتال است که تولید واحد آن و تأیید اصالت تراکنش‌های مرتبط با آن، با استفاده از الگوریتم‌های رمزنگاری کنترل می‌شود و معمولاً به صورت غیرمتمرکز یعنی بدون وابستگی به نهاد مرکزی مانند بانک‌ها یا دولت‌ها عمل می‌کند. رخی منابع، رمزارز را نه تنها به عنوان یک ابزار مالی، بلکه به عنوان بستری برای فعالیت‌های اقتصادی دیجیتال تعریف می‌کنند که شامل خدمات آنلاین، توسعه نرم‌افزارها و پلتفرم‌های مبتنی بر بلاکچین می‌شود (Gikay, 2018, p. 35). همچنین، برخی پژوهشگران رمزارزها را مشابه «اقتصادهای مجازی درون‌بازی‌ها» مانند بازی‌های فارم وایل<sup>۲</sup> یا اجتماعات دنیای وارکرفت<sup>۳</sup> می‌دانند که در آن‌ها دارایی‌های غیرفیزیکی ارزش اقتصادی پیدا می‌کنند (صالحی، ۱۳۹۵، ص ۳۹). رمزارزها بر پایه فناوری بلاکچین و با استفاده از رمزنگاری پیشرفته طراحی شده‌اند و دارای ویژگی‌های بنیادینی همچون غیرمتمرکز بودن، شفافیت، تغییرناپذیری<sup>۴</sup> و امنیت بالا هستند (رجبی، ۱۳۹۸، ص ۴۰). گسترش فناوری و توسعه فضای مجازی، زمینه‌های گسترده‌ای برای استفاده از رمزارزها در معاملات تجاری فراهم کرده است؛ به ویژه آنکه امروزه بخش عمده‌ای از خرید و فروش‌ها به صورت آنلاین و دیجیتال انجام می‌شود (سبحانی و قائمی‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۴۲).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رمزارزها، عدم دخالت شخص ثالث در فرآیند انتشار، پردازش و اعتبارسنجی تراکنش‌هاست. تمام این فرآیندها توسط شبکه‌ای از کاربران (نودها) و بدون نیاز به واسطه‌های مالی سنتی انجام می‌پذیرد (اسدی و سلطانی، ۱۳۹۴، ص ۲۳). این ویژگی، رمزارزها را به نظام‌های ارزی قدیمی مانند سیستم طلا و نقره شبیه می‌سازد، جایی که ارزش پول ذاتی و مستقل از نهادهای حاکمیتی بود (حسن‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲۴). در واقع، رمزارزها یک

---

Cryptocurrency<sup>۱</sup>

Farmville<sup>۲</sup>

World of Warcraft<sup>۳</sup>

Immutability<sup>۴</sup>

سیستم خصوصی و هم‌تا به هم‌تا<sup>۲</sup> برای تسهیل مبادلات اقتصادی بین افراد فراهم می‌کنند، بدون آنکه نیازی به حضور بانک، دولت یا هر نهاد مرکزی دیگری باشد (He et al., 2016, p. 5) دارایی‌های رمزارزی که در صرافی‌های متمرکز نگهداری می‌شوند، عموماً به‌عنوان ابزار سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شوند و ممکن است بسته به مدل اقتصادی هر رمزارز، دارای ویژگی تورمی یا ضدتورمی باشند. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که محدودیت عرضه برخی رمزارزها (مانند بیت‌کوین) می‌تواند به حفظ قدرت خرید و جلوگیری از کاهش ارزش دارایی‌های مردم کمک کند، مزیتی که در اقتصادهای تورمی سنتی به ندرت دیده می‌شود (Hartge-Hazelman, 2018, p. 44)

## ۲-۱. مفهوم، ارکان و شرایط وقف در فقه امامیه

یکی از راه‌های مؤثر برای انجام امور خیریه، کمک به نیازمندان، کاهش فقر و عمران و آبادانی جوامع، وقف است. وقف در لغت به معنای «ایستادن»، «ساکن شدن» و «حبس کردن» است. در اصطلاح فقهی، وقف عبارت است از «حبس مالک مال (دارایی) و جلوگیری از نقل و انتقال آن چه از طریق فروش و چه از طریق هبه یا بخشش و به عبارت دیگر، وقف به معنای «حبس اصل» و «رهایی منافع» است؛ یعنی عقدی که نتیجه آن، ثبات و بقای اصل دارایی و آزادسازی منافع آن برای استفاده عمومی یا خاص است» (سلیمی‌فر، ۱۳۹۸، ص ۳۶). این تعریف شامل دو عنصر کلیدی است:

الف) ایستایی اصل (تحبیس): که در زبان عربی از ریشه «حبس» (به معنای زندانی کردن یا قید کردن) گرفته شده است. با وقف کردن مال، آزادی نقل و انتقال آن (اعم از فروش، هبه، وصیت یا معاوضه) از مالک سلب می‌شود و اصل دارایی به‌صورت دائمی و غیرقابل تصرف حفظ می‌گردد.

ب) رهایی منافع (تسبیل): یعنی آزاد گذاشتن منافع دارایی وقف‌شده در راه خدا یا هر مقصد خیریه‌ای که واقف تعیین کرده باشد. این منافع برای «موقوف‌علیهم» یعنی افراد یا مؤسساتی که واقف برای آنان وقف کرده است. مباح و قابل استفاده است. در اصطلاح عرفی نیز وقف را صدقه جاریه می‌نامند؛ زیرا اصل مال همواره باقی می‌ماند و منافع آن در طول زمان به‌طور مداوم در راه خیر مصرف می‌شود. از دیرباز تاکنون، بسیاری از افراد به دلیل اهمیت اجتماعی و پاداش معنوی وقف،

تمایل به انجام آن داشته‌اند. با این حال، عقد وقف دارای شرایط و ارکان خاصی است که در صورت عدم رعایت آن‌ها، وقف صحیح نخواهد بود و از نظر شرعی واقع نمی‌شود (عسکری، ۱۳۹۰، ص ۵۲).

در قانون مدنی ایران، مطابق ماده ۵۷۷ قانون مدنی، وقف عبارت است از «حبس عین مال، یعنی جدا کردن ملک از دارایی مالک و مصون داشتن آن از هرگونه نقل و انتقال و تسبیل منافع آن، یعنی صرف منافع مال در راه خدا یا در مقصدی که واقف تعیین کرده است. در صورتی که عمل به نیت واقف ممکن نباشد، منافع باید در موردی صرف شود که به محتوای وقف‌نامه و نیت واقف نزدیک‌تر باشد» (ملایی پور، ۱۳۹۴، ص ۶۳).

ارکان چهارگانه وقف: تحقق وقف به وجود ارکان چهارگانه وابسته است (المعهد الإسلامي للبحوث والتدريب، ۲۰۰۸، ص ۸۶). این ارکان عبارتند از:

الواقف: شخصی که مال خود را وقف می‌کند.

الموقوف: مالی که مورد وقف قرار می‌گیرد.

الموقوف علیه: شخص یا جهتی که منافع مال موقوفه به او یا آن اختصاص می‌یابد.

الصیغة: لفظ، نوشته یا عملی که بیانگر قصد واقف برای ایجاد وقف است.

شرایط مال موقوفه: مالی که وقف می‌شود باید دارای شرایطی باشد:

قابلیت انتفاع با بقاء عین: مال موقوفه باید عین خارجی باشد که بتوان برای مدت قابل توجهی از منافع آن بهره برد، بدون اینکه اصل آن از بین برود. بنابراین، وقف اشیای مصرفی مانند خوراکی‌ها، که استفاده از آنها مستلزم از بین بردن عینشان است: حیح نیست (سیستانی، ۱۴۴۵، ص ۱۰۹). وقف اموال منقول و غیر منقول (مانند زمین و خانه) صحیح است.

- ملکیت واقف: مال موقوفه باید در زمان وقف در ملکیت واقف باشد (المعهد الإسلامي للبحوث والتدريب، ۲۰۰۸، ص ۸۹).
- مباح بودن منفعت: منفعت مال موقوفه باید شرعاً حلال و مباح باشد. وقف آلات لهو و قمار جایز نیست (سیستانی، ۱۴۴۵، ص ۱۱۰).
- معلوم بودن: مال موقوفه باید معلوم و مشخص باشد (ویکی‌شعبه، ۱۴۴۵ق).

مفهوم سنتی «تحبیس الأصل» وقف را بر اعیان فیزیکی و ملموس مانند زمین و ساختمان متمرکز می‌سازد (ملائکه پور شوشتری، ۱۴۰۰، ص ۵۹۰). این برداشت، که بر «حبس عین» تأکید دارد، منجر به چالش‌هایی در مدیریت موقوفات در عصر حاضر شده است. برخی آمارها از بهره‌وری کمتر از نیم درصد موقوفات در ایران حکایت دارند، که دلیل عمده آن برداشت‌های الفاظ محور و محدود از متون فقهی است (ملائکه پور شوشتری، ۱۴۰۰، ص ۵۹۸). همانطور که در شرایط مال موقوفه هم مشخص می‌شود، تعریف سنتی وقف بر «حبس عین» وقف اموال غیرمادی (مانند حق تألیف و اختراع) یا سرمایه‌های مالی را با چالش مواجه می‌کند (آقاسی، ۱۳۹۵، ص ۴۸). این چالش، به ویژه در اقتصاد نوین که دارایی‌های غیرمادی ارزش فزاینده‌ای دارند، اهمیت بیشتری یافته است.

این امر، نیاز به بازنگری در مسائل فقهی-حقوقی وقف را آشکار می‌سازد. پژوهش‌های نوین فقهی، با تحلیل تحول مفهوم «اصل» به «عین» در تعاریف فقهی، نتیجه‌گیری کرده‌اند که آنچه ماهیت وقف را تعریف می‌کند، «جریان مستمر منافع» است، نه الزام به حفظ عین فیزیکی (ملائکه پور شوشتری، ۱۴۰۰، ص ۶۰۲). این تحلیل، امکان وقف اموال غیرمادی مانند حقوق مالکیت معنوی، اختراع و سرمایه را فراهم می‌آورد. همچنین این رویکرد، امکان «وقف مالیت» را فراهم می‌آورد و به سازمان‌های اوقاف اجازه می‌دهد تا با انجام «تبدیل به احسن» در شرایط خاص (مانند نیاز به نوسازی بافت فرسوده یا افزایش بهره‌وری)، کارکرد موقوفات را بهبود بخشند (ملائکه پور شوشتری، ۱۴۰۰، ص ۵۹۰). این نظریه، با توجه به هدف اصلی وقف (جریان مستمر منافع)، راهکارهای فقهی نوینی را برای مقابله با چالش‌های اقتصادی موقوفات قدیمی ارائه می‌دهد. چراکه در دنیای امروز، نهاد وقف با چالش‌های مهمی روبرو است. بهره‌وری پایین موقوفات سنتی، مشکلات حقوقی ناشی از وقف اموال غیرمادی و نیاز به مدیریت مدرن موقوفات از جمله این چالش‌ها هستند (آقاسی، ۱۳۹۵، ص ۹۵). پاسخ فقه امامیه به این چالش‌ها در حال تحول است. دیدگاه‌های نوین فقهی، با تمرکز بر «جریان مستمر منافع» به جای «حفظ عین موقوفه»، زمینه را برای پذیرش «وقف مالیت» و اموال غیرمادی فراهم آورده‌اند. این تحولات نشان می‌دهد که فقه امامیه به طور پویا در حال پاسخگویی به نیازهای متغیر جامعه مدرن است.

### ۳-۱- مفهوم و مبانی مالیت در فقه امامیه

مفهوم «مالیت» یکی از بنیان‌های کلیدی در فقه امامیه، به‌ویژه در ابواب معاملات، ضمان، وقف، ارث و دیگر حوزه‌های مرتبط با حقوق مالی است. احراز «مال» بودن یک شیء، پیش شرطی اساسی برای جریان بسیاری از احکام فقهی بر آن محسوب می‌شود. در جهان امروز و با ظهور پدیده‌های نوین اقتصادی همچون «زمین مجازی در متاورس» و «ارزهای رمزپایه».

### ۳-۱-۱- بررسی تعاریف فقها از مال

دیدگاه‌های فقها در مورد تعریف مال به دو دسته کلی قابل تقسیم است: تعاریف کلاسیک و رویکردهای معاصر. در نگاه سنتی، مال به چیزی گفته می‌شود که «نزد مردم مطلوب است» و «به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نیازهای آنان را برطرف می‌کند» (زاهدیان و یزدانی، ۱۳۹۲، ص ۵۵). این تعریف، مبنایی روان‌شناختی-اجتماعی دارد که مبتنی بر تمایلات عمومی انسان است. در همین راستا، برخی دیگر از فقها مال را «چیزی که دوست‌داشتنی باشد و میل و رغبت به آن شود» تعریف کرده‌اند. در مقابل، رویکرد عرفی و معاصر، «مال» را یک «عنوان عرفی-انتزاعی» می‌داند. در این نگاه، «تنها راه احراز مالیت چیزی، توجه به معاوضات عرفیه و تحلیل رفتار عقلا در مورد آن است» (سلطانی فرد و یوسفی، ۱۴۰۴، ص ۱۸۵). این تغییر رویکرد از یک ویژگی ذاتی به یک مفهوم پویا و وابسته به عرف، انعطاف‌پذیری فقه امامیه را در مواجهه با پدیده‌های جدید و غیرمادی (مانند حق تألیف و ارزهای دیجیتال) فراهم می‌آورد. این رویکرد با نظر فقهای معاصر، از جمله امام خمینی (ره)، هم‌خوانی دارد که مالیت را یک «اعتبار عقلایی» می‌داند که از «میل و رغبت انسان» به اشیا انتزاع می‌شود. این دیدگاه، «ارزش دادوستد» را به عنوان معیار اصلی مالیت معرفی می‌کند، در نگاه حقوق‌دانان، مال به چیزی گفته می‌شود که «ارزش اقتصادی داشته و قابل تقویم به پول باشد» (امامی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۶). این تعریف حقوقی با رویکرد عرفی فقها در معیار «ارزش دادوستد» همگرا است و نشان می‌دهد که «چیزی که قابل دادوستد باشد» و «قابل تقویم به پول» باشد، ملاک مالیت است (همان، ص ۲۷). برای درک عمیق‌تر مفهوم مالیت، لازم است آن را از مفاهیم مشابه تمییز داد. برای آنکه یک شیء از نظر فقهی دارای مالیت محسوب شود، باید دو شرط اساسی را دارا باشد که این شروط در چارچوب مفهومی «عرف عقلا» تفسیر می‌شوند.

شرط اول: منفعت (فایده عقلایی): اولین و مهم‌ترین شرط مالیت، دارا بودن منفعت و فایده عقلایی است. این منفعت باید مورد توجه و مطلوب عقلا باشد. مالیت در فقه منحصر به «اعیان» (اموال مادی) نیست، بلکه «منافع» نیز مال محسوب می‌شوند (موسوی بجنوردی و صباغی ندوشن، ۱۳۹۴، ص ۵۲) به رسمیت شناختن مالیت برای منافع، پایه فقهی مالیت‌بخشی به بسیاری از پدیده‌های جدید و غیرمادی مانند حقوق معنوی را فراهم می‌کند که فاقد عین مادی مستقل هستند.

شرط دوم: حلیت (مباح بودن شرعی): شرط دیگر برای مالیت یک شیء، «تقوم شرعی» آن است؛ به این معنا که باید از نظر شرعی حلال باشد تا «مقوم» (قابل معامله و دارای ضمان) تلقی شود. به عنوان مثال، خمر (شراب) از نظر شرعی برای مسلمانان «مال غیرمقوم» است و معامله آن باطل محسوب می‌شود (نجفی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۷۱). با این حال، باید میان این شرط و قاعده فقهی «حلیت» تمایز قائل شد. قاعده «کل شیء لک حلال» (همه چیز برای تو حلال است) بیان می‌کند که اصل بر حلال بودن اشیاست، مگر اینکه دلیل بر حرمت آن اقامه شود. در بعضی منابع که «استفاده از تعبیر «مال شرعی» صحیح نبوده» و شارع نمی‌تواند مالیت یک شیء را ساقط کند، بلکه می‌تواند معامله آن را نهی کند (سلطانی فرد و یوسفی، ۱۴۰۴ص ۱۸۵)، این نکته استنباط می‌شود که شرط «حلیت» در واقع شرط جواز معامله است، نه شرط اصلی مالیت. به عبارت دیگر، یک شیء ممکن است عرفاً مالیت داشته باشد، اما معامله آن به دلیل حرمت شرعی ممنوع باشد.

### ۳-۱-۲- دسته‌بندی اموال از منظر فقه امامیه

فقه امامیه برای اموال دسته‌بندی‌های گوناگونی ارائه می‌دهد که هر یک مبنای فقهی مهمی برای احکام مختلف هستند.

اموال منقول و غیرمنقول: اموال منقول، اموالی هستند که «از مکانی به مکان دیگر قابل جابه‌جایی اند» (موسوی بجنوردی و صباغی ندوشن، ۱۳۹۴، ص ۵۸) در مقابل، اموال غیرمنقول «اصلاً قابل جابه‌جایی نیستند، مانند زمین، یا با جابه‌جایی آنها به خود مال یا محل استقرار آن آسیب وارد می‌شود، مانند مصالح به کار رفته در ساختمان» (موسوی بجنوردی و صباغی ندوشن، ۱۳۹۴، ص ۵۹)

اموال ملموس (عینی) و ناملموس (غیرعینی): اموال «ملموس» (مادی) دارای وجود فیزیکی هستند، مانند زمین، ساختمان و جوه نقد. در مقابل، اموال «ناملموس» (غیرمادی) فیزیکی نیستند، اما دارای «ارزش دادوستد» و «قابلیت تقویم به پول» هستند. نمونه‌های این اموال شامل «حق اختراع» و «حق تألیف» است (موسوی بجنوردی و صباغی ندوشن،

۱۳۹۴، ص ۶۱) این دسته‌بندی از اهمیت بالایی برخوردار است، چرا که نشان می‌دهد مالیت لزوماً به عین مادی محدود نمی‌شود. برخی دیدگاه‌ها در فقه، اموال ناملموس را نیز «جزء اموال» به شمار می‌آورند. این تطابق با تحولات حقوقی و اقتصادی مدرن، توانایی فقه امامیه را در مالیت‌بخشی به پدیده‌های غیرمادی نشان می‌دهد.

مفهوم مالیت در فقه امامیه، یک مفهوم ثابت و تغییرناپذیر نیست، بلکه یک چارچوب تحلیلی پویا و سازگار با زمان است. این پژوهش نشان می‌دهد که:

تحول مفهومی: مفهوم مالیت از تعاریف سنتی و مادی‌گرایانه مبتنی بر «میل طبع» به یک تعریف پویا و «عرفی-انتزاعی» تکامل یافته است. این تحول، به فقه امامیه امکان می‌دهد تا با پدیده‌های اقتصادی جدیدی که فاقد عین مادی هستند، مانند حقوق معنوی و دارایی‌های ناملموس، تعامل کند.

نقش محوری عرف: «عرف عقلا» به عنوان مهم‌ترین و حتی تنها معیار احراز مالیت شناخته می‌شود. این امر، تفسیر تمامی شروط مالیت (منفعت، حلیت و کمیابی) را تحت سیطره خود درمی‌آورد و انعطاف لازم را برای ارزیابی پدیده‌های نوظهور فراهم می‌کند.

جامعیت و دسته‌بندی: فقه امامیه با تفکیک دقیق میان مفاهیم مرتبط مانند «ارزش استعمالی» و «ارزش مبادله‌ای» و ارائه دسته‌بندی‌های جامع برای اموال (ملموس/ناملموس، مثلی/قیمی و...)، یک چارچوب منسجم و انعطاف‌پذیر برای تحلیل مالیت فراهم آورده است.

## ۲. بررسی فقهی مالیت رمزارزها از منظر فقه امامیه

ظهور رمزارزها به عنوان دارایی‌های دیجیتال غیرمتمرکز، چالش بنیادینی را در نظام‌های فقهی سنتی، به ویژه در مورد مفهوم «مالیت»، ایجاد کرده است. سؤال اصلی این است که آیا این دارایی‌ها، که فاقد شکل فیزیکی و پشتوانه مرکزی هستند، می‌توانند از دیدگاه فقهی «مال» محسوب شوند؟ این امر برای جواز هرگونه معامله بر روی آن‌ها و در نهایت، امکان وقف آن‌ها، حیاتی است.

## ۱-۲- ارزیابی شرط منفعت

یکی از شروط اساسی صحت معامله در فقه و حقوق، منفعت داشتن مورد معامله است. ماده ۲۱۵ قانون مدنی نیز تأکید دارد که «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد» (خادمان، کوشا و نوری، ۱۴۰۰، ص ۳۵۵). منفعت باید مورد تأیید «نوع عقلا» باشد، نه یک منفعت شخصی یا نادر.

رمزارها دارای کاربردهای عملی و قابل اثبات هستند که این شرط را محقق می‌سازد. از جمله این کاربردها می‌توان به سرمایه‌گذاری، انتقال ارزش، توسعه فناوری و تسهیل پرداخت‌های بین‌المللی اشاره کرد. برخی ممکن است به دلیل عدم منفعت مصرفی (مانند خوردن یا پوشیدن)، رمزارها را فاقد منفعت بدانند، اما این دیدگاه با توجه به کاربردهای غیرمصرفی و اعتباری آن‌ها قابل رد است (خطیبی و رهبر، ۱۳۹۶، ص ۵۳) پذیرش گسترده اجتماعی و اقتصادی رمزارها، دلیل قاطعی بر تحقق منفعت عقلایی است (جلیلی، پیلهور و صادقی شهپر، ۱۴۰۲، ص ۲۲). بر اساس آمار، صدها میلیون نفر در حال خرید و فروش رمزارها هستند، که این امر به وضوح بر وجود رغبت و منفعت عقلایی دلالت دارد. نظرات فقهای مانند آیت‌الله صانعی و آیت‌الله هادوی تهرانی که اعتبار و ارزش عرفی و عقلایی را برای جواز معامله کافی می‌دانند، این دیدگاه را تأیید می‌کند (سعیدپورگیلوانی، ۱۴۰۲، ص ۴۵).

با این حال، اختلاف نظر فقها در این زمینه، ریشه در دو دیدگاه متفاوت در فقه اقتصادی دارد: دیدگاه خرد (میکرو) که بر منفعت فردی و بازار تمرکز دارد و دیدگاه کلان (ماکرو) که ملاحظات اجتماعی و حکومتی را ارجح می‌داند. فقهای که معامله را جایز می‌دانند، به این استناد می‌کنند که مردم به رمزارها رغبت دارند و حاضر به پرداخت پول برای آن هستند، که این بر مبنای «منفعت فردی» است که در عرف بازار شکل می‌گیرد (سعیدپورگیلوانی، ۱۴۰۲، ص ۴۹). در مقابل، فقهای که احتیاط یا حرمت را مطرح می‌کنند (مانند آیت‌الله مکارم شیرازی و برخی مفتیان اهل سنت)، صرفاً به سود فردی توجه نمی‌کنند، بلکه به ضررهای کلان اجتماعی و اقتصادی احتمالی می‌نگرند (سعیدپورگیلوانی، ۱۴۰۲، ص ۸۴). این ضررها شامل پول‌شویی، فرار مالیاتی و تضعیف نظام پولی کشور است که گرچه از نظر فقه فردی مستقیماً موجب حرمت نمی‌شوند، اما از دیدگاه «فقه حکومتی» و «قاعده حفظ نظام» قابل توجه هستند و می‌توانند موجب صدور حکم حکومتی گردند (مجاهد و رجب‌زاده، ۱۴۰۳، ص ۱۵) بنابراین، جدال اصلی بر سر منفعت، نه انکار وجود آن، بلکه درباره کافی بودن این منفعت فردی در مقابل ضرر احتمالی سیستمی است.

## ۲-۲- بررسی شرط حلّیت

اصل اولیه در معاملات، «أصالة الإباحة» (اصل جواز) است، مگر آنکه دلیلی بر حرمت یافت شود (میرزاخانی، ۱۳۹۶، ص ۳۵) در مورد رمزارزها، شبهات متعددی مطرح شده که نیازمند تحلیل دقیق است.

شبهه‌ی غرر (ابهام و خطر): برخی مخالفان استدلال می‌کنند که نوسانات شدید قیمت، عدم پشتوانه فیزیکی و عدم کنترل مرکزی موجب «غرر» در معامله می‌شود. در نقد این استدلال باید گفت که غرر زمانی محقق می‌شود که اصل مورد معامله (عوضین) در زمان عقد مبهم و مجهول باشد، در حالی که در معاملات رمزارز، تعداد و ارزش در لحظه معامله مشخص است. نوسانات پس از معامله، همانند سهام، دلیل بر بطلان معامله نیست و از دیدگاه برخی محققان نمی‌تواند مصداق غرر باشد (مجاهد و رجب‌زاده، ۱۴۰۳، ص ۱۷)

شبهه‌ی قمار و اکل مال به باطل: دیدگاه دیگری معاملات رمزارز، به خصوص معاملات آتی (فیوچرز) و اهرم، را به دلیل ماهیت سوداگرانه و شانس محور، شبیه به قمار می‌داند (سعیدپورگیلوانی، ۱۴۰۲، ص ۴۵) در پاسخ باید تفاوت مبنایی معامله (انتقال مال) با قمار (صرفاً بردن و باختن) را مورد توجه قرار داد. معاملات فیوچرز و اهرم اگرچه ممکن است مصداق ربا یا قمار باشند، اما این حکم به نوع خاصی از معامله مربوط است و به ماهیت خود رمزارز خدش‌های وارد نمی‌کند. همچنین، فرآیند استخراج (ماینینگ) به دلیل پاداش در قبال کار و حل مسئله، مصداق قمار نیست، زیرا پاداش دریافتی ملک کسی نبوده و در ازای یک عمل ارزشمند (تأیید تراکنش‌ها) به دست می‌آید (قلیچ، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹)

شبهه‌ی ربا: برخی معاملات اهرمی ممکن است در قالب بهره پنهان انجام شوند که مصداق ربا تلقی می‌شود. با این حال، باید توجه داشت که نوسانات قیمت در خود رمزارزها، ربا نیست، مگر اینکه شرط «زیاده» در قرض یا معامله محقق شود.

موضع فقه حکومتی: اصلی‌ترین دلیل حرمت رمزارزها از نگاه برخی فقها، نه شبهات سنتی بلکه «فقه حکومتی» و قواعدی چون «حفظ نظام»، «مصلحت» و «نفی سبیل» است (مجاهد و رجب‌زاده، ۱۴۰۳، ص ۱۹). این دیدگاه بر این اساس استوار است که عدم کنترل دولت بر رمزارزها، امکان پول‌شویی، فرار مالیاتی و اختلال در نظام پولی کشور را فراهم می‌کند و از این رو معامله آن را جایز نمی‌داند. موضع آیت‌الله خامنه‌ای مبنی بر ارجاع حکم به مقررات جمهوری

اسلامی نیز در چارچوب همین فقه حکومتی قابل تحلیل است (مجاهد و رجب‌زاده، ۱۴۰۳، ص ۱۳)

این بررسی نشان می‌دهد که اصلی‌ترین چالش فقهی رمزارزها در دنیای امروز، نه شبهات سنتی (مانند غرر) بلکه در «عدم انطباق با ملاحظات فقه حکومتی» است. شبهاتی نظیر غرر و قمار در بسیاری از بازارهای مالی (مانند بورس) نیز وجود دارد، اما این بازارها حرام اعلام نمی‌شوند. این امر نشان می‌دهد که وجود صرف این شبهات برای حرمت کافی نیست (مجاهد و رجب‌زاده، ۱۴۰۳، ص ۱۵). بنابراین، ریشه اصلی مخالفت‌ها در مسائل کلان‌تر مانند «حفظ نظام» و «نظارت حاکمیت» است.

### ۳-۲- نظریه مختار

تحلیل جامع فقهی نشان می‌دهد که رمزارزها تمامی شروط اصلی مالیت در فقه امامیه را محقق می‌سازند. از منظر منفعت، رمزارزها دارای منفعت عقلایی و پذیرش گسترده عرفی هستند. در خصوص حلیت، شبهات فقهی سنتی مانند غرر و قمار در مورد ماهیت رمزارزها قابل ابطال است. در نهایت، شرط عدم فراوانی مفرط نیز به دلیل محدودیت عرضه ذاتی رمزارزها و فرآیند استخراج که به آن مشروعیت فقهی می‌دهد، به طور کامل برآورده می‌شود. با توجه به تحقق این شروط سه‌گانه، می‌توان نتیجه گرفت که رمزارزها از منظر فقه امامیه دارای «مالیت» هستند. این نتیجه‌گیری، بستر لازم را برای بررسی امکان «وقف» آن‌ها فراهم می‌آورد. با این حال، نکته‌ی مهم این است که حکم نهایی در مورد جواز معامله و استفاده از رمزارزها، فراتر از فقه فردی و در حوزه «فقه حکومتی» قرار می‌گیرد. نگرانی‌های حاکمیت از آسیب‌های اقتصادی کلان، مانند پول‌شویی و تضعیف نظام پولی، می‌تواند موجب صدور حکم حکومتی مبنی بر محدودیت یا ممنوعیت آن‌ها گردد (قلیچ، ۱۳۹۸، ص ۱۱۱). بنابراین، استفاده از رمزارزها در چارچوب حاکمیت اسلامی، منوط به عدم مفسده اقتصادی و رعایت قوانین مصوب دولت است. توصیه می‌شود نهادهای حکومتی قوانین جامع و شفاف را برای رفع این نگرانی‌ها تدوین کنند تا زمینه استفاده مشروع و قانونی از این دارایی‌های نوین فراهم شود.

### ۳. بررسی فقهی مالیت رمزارزها از منظر فقه امامیه

این بخش به بررسی و تحلیل امکان وقف رمزارزها از منظر فقه امامیه می‌پردازد. با توجه به ابهام در ماهیت این دارایی‌های نوین، انطباق آن‌ها با چهار شرط اساسی مال موقوفه، یعنی مملوک بودن، قابلیت بقا و دوام، قابلیت قبض و اقباض، و اصل حفظ عین، در بوته نقد و تحلیل قرار گرفته است.

### ۱-۳- تحلیل شرط «مملوک بودن» رمزارزها

شرط «مملوک بودن» به این معناست که مال موقوفه باید در ملک واقف باشد و قابلیت تملک داشته باشد. این شرط با بحث «مالیت» ارتباط مستقیم دارد، زیرا مالی که فاقد مالیت باشد، قابل تملک نیست. با توجه به دیدگاه فقهای موافق مالیت رمزارزها و کارکرد آن‌ها به عنوان واسطه مبادله، می‌توان نتیجه گرفت که آن‌ها قابلیت تملک را دارا هستند. با این حال، فقدان قوانین جامع و یکسان، موانع حقوقی و فقهی را برای این تملک ایجاد می‌کند. تناقض در دیدگاه فقها در مورد مالیت رمزارزها، ریشه در تعارض دو معیار سنتی و نوین دارد: الف) معیار سنتی (عینیت فیزیکی و حمایت حکومتی) که به حرمت معامله می‌انجامد و ب) معیار نوین (رغبت عقلایی و کارکرد عرفی) که به مشروعیت آن منجر می‌شود. این تعارض، صرفاً یک اختلاف نظر نیست، بلکه نشان‌دهنده نیاز به بازنگری در مفهوم «مال» در فقه معاصر است. عدم شناسایی قانونی رمزارزها توسط دولت‌ها به عنوان یک عامل، ابهام در ماهیت حقوقی آن‌ها را به دنبال دارد که به نوبه خود، اختلاف نظر فقها و عدم اجماع در مورد مالیت را تشدید می‌کند (سید حسینی و ابراهیمی سالاری، ۱۳۹۵، ص ۳۹). این زنجیره از عوامل، در نهایت چالش در احراز شرط «مملوک بودن» برای وقف را ایجاد می‌کند.

### ۲-۳- تحلیل شرط «قابلیت بقا و دوام»

مال موقوفه باید با استفاده، از بین نرود. این شرط یکی از بزرگترین چالش‌های وقف پول و به تبع آن رمزارز بوده است. از منظر سنتی، رمزارزها به عنوان یک دارایی اعتباری و غیرمادی، فاقد عینیت فیزیکی هستند و با «انتقال» از بین می‌روند. از این منظر، انطباق آن‌ها با مفهوم سنتی «بقای عین» ممکن نیست. با این حال، در فقه معاصر، مفهوم «بقا» به «بقای مالیت» یا «بقای ارزش» یا جریان مستمر منافع تفسیر شده است (رهبر و خطیبی، ۱۳۹۶، ص ۷۳). این رویکرد که در مورد وقف پول و سهام مطرح است، امکان وقف رمزارزها را فراهم می‌آورد. استدلال این دیدگاه بر پایه قیاس با وقف پول و سهام استوار است که بسیاری از فقها، از جمله از مذاهب اهل سنت و برخی فقهای امامیه، آن را جایز می‌دانند (همان: ۸۵). استدلال آن‌ها بر این است که هدف واقف از وقف پول، «حبس اصل مالیت» و بهره‌مندی از منافع حاصل از آن است، نه حبس اسکناس فیزیکی. این استدلال عیناً در مورد رمزارزها صادق است. علاوه بر این، با توجه به تحولات اقتصادی، مفهوم «عین» نباید منحصر به اشیاء مادی و محسوس باشد، بلکه می‌تواند به «عین حکمی» نیز تعمیم یابد (رضایی، صدی و آقاجانی قناد، ۱۳۹۲، ص ۲۶۱). بحث وقف رمزارزها، صرفاً یک مسئله جدید نیست، بلکه نقطه عطفی در تکامل مفاهیم بنیادین فقهی است. در این فرآیند، مفهوم «بقای عین» از یک شرط فیزیکی و مادی به یک شرط ارزشی و مالی تغییر

می‌کند. این تغییر پارادایم نشان می‌دهد که فقه برای پاسخگویی به نیازهای زمان، انعطاف‌پذیری لازم را دارد و از «حبس عین فیزیکی» به «حبس هویت حقوقی» مال منتقل می‌شود.

### ۳-۳- تحلیل شرط «قابلیت انتقال و قبض و اقباض»

در فقه امامیه، قبض مال موقوفه توسط موقوف‌علیه یا متولی، شرط صحت یا لزوم عقد وقف است. بدون قبض، عقد وقف لازم نبوده و واقف می‌تواند از آن رجوع کند. چالش اصلی در مورد رمازرها این است که چگونه می‌توان یک دارایی غیرمادی را «قبض» کرد؟ مفهوم سنتی قبض، به معنای «اخذ یدی» یا تسلط فیزیکی است. با این حال، فقه معاصر راهکارهایی را برای این چالش ارائه می‌دهد. فقها در مورد معاملات الکترونیکی و اعتباری (مانند حواله بانکی یا انتقال وجه) به «قبض حکمی» قائل هستند. قبض حکمی به معنای «اختیار تصرف و استیلاء» بر مال است، حتی اگر انتقال فیزیکی صورت نگیرد (محمودی، ۱۴۰۱، ص ۲۹). مکانیزم فنی رمازرها که مالکیت را با «کلید خصوصی» گره می‌زند، دقیقاً با مفهوم «قبض حکمی» منطبق است. در این فرآیند، واقف با انتقال کلید خصوصی یا دسترسی به آن (مثلاً با ارائه آن به متولی)، تمام موانع را از بین برده و موقوف‌علیه را بر مال مسلط می‌کند (ابهری علی‌آباد و رضیان، ۱۳۸۵، ص ۳۴). این عمل از نظر عرفی و عقلایی، قبض محسوب می‌شود. با این حال، برخی فقها مانند آیت‌الله سیستانی، انتقال الکترونیکی اعتبار را مصداق قبض نمی‌دانند.

مسئله قبض و اقباض در وقف رمازرز، نه یک مانع فقهی، بلکه یک فرصت برای اثبات پویایی فقه است. فقه از مفهوم فیزیکی «استیلاء بر عین» به مفهوم مجازی «استیلاء بر اطلاعات» و «اختیار تصرف در داده‌ها» ارتقا می‌یابد. این تطابق نشان‌دهنده توانایی فقه در انطباق با واقعیت‌های جدید است. ظهور تکنولوژی بلاکچین و کلید خصوصی به عنوان یک عامل، مکانیزمی برای احراز مالکیت و انتقال کنترل را فراهم آورد که امکان تطبیق این مکانیزم با مفهوم «قبض حکمی» را میسر ساخت. این فرآیند به نوبه خود چالش قبض در وقف رمازرز را حل می‌کند.

### ۳-۴- تحلیل تعارض با «اصل حفظ عین» موقوفه

«اصل حفظ عین موقوفه» به این معناست که مال موقوفه باید برای همیشه از هرگونه نقل و انتقال مصون بماند و فروش آن ممنوع است. این اصل، تضمین‌کننده دوام و پایداری وقف و حفظ نیت واقف است. چالش اصلی در مورد رمازرها، نوسانات شدید قیمتی و احتمال از بین رفتن ارزش آنهاست که این اصل را به چالش می‌کشد (برومند قهنویه،

۱۴۰۴، ص ۹۶) اگر رمزارزی که وقف شده، ارزش خود را از دست بدهد، هدف واقف که بهره‌مندی دائمی موقوف‌علیهم است، محقق نمی‌شود. با این حال، در فقه و حقوق ایران، مواردی برای جواز فروش مال موقوفه پیش‌بینی شده است. یکی از این موارد، «خرابی یا بیم از خرابی» است. اگر مال موقوفه خراب شود یا بیم آن باشد که به حدی خراب شود که انتفاع از آن ممکن نباشد، می‌توان آن را فروخت و تبدیل به احسن کرد. برخی فقها «زوال عنوان وقف» یا «زوال صلاحیت انتفاع» را نیز در حکم خرابی می‌دانند.

نوسانات شدید قیمت رمزارها، اگرچه یک چالش است، اما نه به معنای بطلان وقف، بلکه به معنای جواز «تبدیل به احسن» است. می‌توان نوسان شدید قیمت و احتمال از دست رفتن ارزش را مصداقی از «بیم از خرابی» یا «زوال انتفاع» دانست. این تفسیر، یک راهکار عملی و فقهی برای مقابله با ریسک رمزارهای موقوفه ارائه می‌دهد. علاوه بر این، با توجه به ماهیت رمزارها و قابلیت برنامه‌ریزی در بلاکچین، می‌توان در همان زمان وقف، شرط «تبدیل هوشمند» (برومند قهنویه، ۱۴۰۴، ص ۵۸) را برای رمزار موقوفه قرار داد. برای مثال، تعیین کرد که اگر قیمت رمزار به زیر یک حد مشخص سقوط کرد، قرارداد هوشمند به طور خودکار آن را به یک دارایی پایدارتر تبدیل کند. این امر با «شرط ضمن عقد» که در فقه مقبول است، کاملاً سازگار است و هم «نیت واقف» (که بهره‌مندی دائمی موقوف‌علیهم است) و هم «اصل حفظ مال» را محقق می‌سازد.

با توجه به تحلیل صورت گرفته، وقف رمزارها از منظر فقه امامیه، با وجود چالش‌های ماهوی و فقهی، بلا مانع به نظر می‌رسد. رویکرد غالب فقهای معاصر، در حال حرکت از ظاهرگرایی به سمت میناگرایی و تفسیر موسع از مفاهیم فقهی است تا بتواند با مسائل مستحدثه تعامل کند. خلاصه یافته‌ها نشان می‌دهد که:

مملوک بودن: اگرچه اختلاف نظر وجود دارد، اما با تکیه بر «رغبت عقلایی» و «مالیت عرفی»، می‌توان رمزارها را قابل تملک و از این جهت صالح برای وقف دانست.

قابلیت بقا: با تفسیر موسع از «بقای عین» به «بقای مالیت» و با قیاس به وقف پول و سهام، شرط بقا نیز بر رمزارها منطبق است.

قبض و اقباض: با پذیرش مفهوم «قبض حکمی» و تطبیق آن با مکانیزم انتقال کلید خصوصی، این شرط نیز در مورد رمزارها احراز می‌شود.

حفظ عین: نوسان شدید رمزارزها، به جای آنکه مانع وقف باشد، می‌تواند مصداقی برای جواز «تبدیل به احسن» قلمداد شود.

#### ۴. چالش‌های اقتصادی ناشی از ریسک‌های رمزارزها در جهت استفاده از امور وقف

استفاده از دارایی‌های رمزارزی در نهاد وقف، علیرغم ظرفیت بالای مالی و نوآورانه بودن، با چالش‌های اقتصادی متعددی مواجه است که باید در تصمیم‌گیری فقهی و مدیریتی موقوفات لحاظ شود. این چالش‌ها عموماً ناشی از ماهیت غیرمتمرکز، ناملموس و پرنوسان رمزارزهاست و می‌تواند بر پایداری مالی وقف و تحقق اهداف آن تأثیر بگذارد. البته باید توجه داشت که این چالش‌ها از جمله نقدینگی، ناپایداری قیمت، ریسک‌های فنی و تهدید به ثبات مالی نه منع‌کننده وقف آن‌ها نیستند، بلکه مقتضی آن هستند که وقف در چارچوبی نظارتی، هوشمند و با ابزارهای مدیریت ریسک (مانند تبدیل به احسن و قراردادهای هوشمند) انجام شود. از سوی دیگر، فقدان چارچوب قانونی شفاف در ایران، به‌ویژه در خصوص مالیت و قابلیت تملک رمزارزها، چالش عمده‌ای برای وقف آن‌ها ایجاد می‌کند. با این حال، حرکت به سمت رمزارز ملی و افزایش دانش فنی در حوزه بلاکچین، فرصتی مناسب برای ایجاد بستری قانونی و فقهی برای وقف دارایی‌های رمزارزی فراهم می‌کند.

چالش ناشی از ریسک نقدینگی: عواملی مانند تمرکز مالکیت رمزارزها در دسته معدودی از شرکت‌کنندگان، محدودیت عمق بازار و ظرفیت تطبیق حجم معاملات بزرگ، و مسائل عملیاتی پلتفرم‌های معاملاتی (مانند اختلال سرویس یا هک)، بازارهای غیرنقد و شکننده‌ای ایجاد می‌کنند که ریسک نقدینگی را تشدید می‌کنند (Ganne, 2018, p. 53) البته استفاده از رمزارزها در نهاد وقف می‌تواند این ریسک را کاهش داده و منابع را در راستای توسعه و عمرانی کشور هدایت کند.

چالش ناشی از ریسک ناپایداری قیمت: نوسانات شدید قیمت رمزارزها (به‌ویژه انواع بدون پشتوانه قراردادی) که ناشی از حدس‌وگمان است، نگرانی‌های جدی برای سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند. عدم وجود مکانیزم‌هایی مانند قطع‌کردگی در پلتفرم‌های معاملاتی، بی‌ثباتی را افزایش داده و کاربرد آنها را برای پرداخت یا تسویه با مشکل مواجه می‌سازد (Fajri & Yamin, 2019, p. 689) چالش ناشی از ریسک‌های اهرمی: استفاده از بدهی (مانند کارت‌های اعتباری یا وام‌های مسکن) برای تأمین مالی خرید رمزارزها، ریسک‌های انتقالی را به دلیل عدم پوشش ریسک بازار تشدید می‌کند. با این حال،

اطلاعات دقیقی در مورد نقش اهرم در این بازارها وجود ندارد (Narayanan, 2016, p. 42). با این حال در صورت استفاده از رمزارزها در امور وقف، امکان تبدیل آنها به دارایی‌های پایدار (مانند زمین یا طلا) وجود دارد (Narayanan, 2016, p. 42).

چالش ناشی از ریسک‌های فنی و عملیاتی: محدودیت‌های فناوری (مانند پهنای باند محدود یا ناتوانی در پردازش معاملات همزمان)، عدم مدیریت متمرکز، و تهدیدات امنیتی (مانند هک یا تقلب) در پلتفرم‌های رمزارزی، ریسک‌های عملیاتی جدی ایجاد می‌کند. اتخاذ تمهیدات امنیتی برای کاهش این ریسک‌ها ضروری است.

چالش ناشی از ریسک‌های ثابت مالی: گسترش رمزارزها ممکن است ثبات نظام مالی را از طریق انتقال ریسک‌ها به بازارهای سنتی یا تأثیر بر نهادهای مالی تضعیف کند. با توجه به اندازه محدود فعلی این بازارها، ریسک‌های جهانی قابل توجه نیست، اما تغییر در نوسانات قیمت یا ارتباط با سایر بازارها مستلزم ارزیابی مجدد است. نوسانات قیمت، ماهیت غیرمتمرکز و مشکلات مقیاس‌پذیری، استفاده گسترده از آنها را برای پرداخت‌ها محدود می‌کند (Fletcher, 2013, p. 35). برای نظارت بر ریسک‌ها، بانک‌های مرکزی (مانند بانک مرکزی اروپا) باید داده‌های رمزارزها و پیوندهای آنها با نظام مالی را بررسی کنند. با این حال، عدم وجود داده‌های قابل اعتماد و شکاف اطلاعاتی در ارتباط با بخش‌های واقعی و مالی، این فرآیند را دشوار می‌سازد (Dibrova, 2018, p. 409).

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکردی فقهی-حقوقی و اقتصادی، به بررسی امکان وقف دارایی‌های رمزارزی پرداخته و تلاش کرده است ضمن تبیین مبانی نظری، اقتضائات عملی آن را نیز آشکار سازد. پرسش‌های اصلی تحقیق در سه محور «مالیت رمزارزها»، «انطباق با شرایط صحت وقف» و «آثار اقتصادی-اجتماعی وقف رمزارزها» مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر حاصل شد:

- از منظر مالیت: رمزارزها با وجود ماهیت غیرمادی و فقدان پشتوانه حکومتی، به دلیل برخورداری از منفعت عقلایی، مقبولیت عرفی و ارزش مبادله‌ای، واجد مالیت هستند. هرچند برخی نگرانی‌ها از منظر فقه حکومتی همچون پول‌شویی یا تهدید نظام پولی وجود دارد، اما این نگرانی‌ها بیشتر به حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی مربوط است تا اصل مالیت شرعی-فقهی.
- از حیث شرایط صحت وقف در فقه امامیه: مملوک بودن: با پذیرش مالیت عرفی، امکان تملک رمزارزها محقق بوده و قابلیت وقف دارند.

قابلیت بقا: با تفسیر موسع از بقا به معنای «بقای ارزش و جریان مستمر منافع»، همانند وقف پول و سهام، می‌توان رزمزارها را قابل وقف دانست.

قبض و اقباض: با پذیرش قبض حکمی، انتقال کلید خصوصی یا دسترسی دیجیتال می‌تواند مصداق قبض و شرط صحت وقف باشد.

حفظ عین: نوسان شدید قیمت، به جای مانعیت، می‌تواند از رهگذر قاعده «تبدیل به احسن» و با کمک قراردادهای هوشمند مدیریت شود.

۱. از منظر آثار اقتصادی-اجتماعی: وقف رزمزارها می‌تواند به عنوان منبع مالی نوین برای نهادهای خیریه و اجتماعی عمل کرده و موجب افزایش بهره‌وری موقوفات، شفافیت و کارآمدی مالی، کاهش فقر و ارتقای عدالت اجتماعی گردد. این امر ظرفیت بازتعریف جایگاه وقف در اقتصاد دیجیتال را دارا است. نوآوری پژوهش در ارائه چارچوبی برای گذار از برداشت سنتی «حبس عین مادی» به «حبس مالیت» است. این نوآوری می‌تواند راهگشای ورود وقف به عرصه دارایی‌های ناملموس و دیجیتال باشد و الگویی برای بازناندیشی در سایر حوزه‌های فقه معاملات و اقتصاد اسلامی ارائه دهد.

با وجود این، تحقق عملی وقف رزمزارها مشروط به سه اقتضاء بنیادین است:

اقتضای فقهی-حقوقی: بازنگری در مفاهیم سنتی همچون بقای عین و پذیرش قبض حکمی.

اقتضای حکومتی-قانونی: تدوین قوانین شفاف برای مالکیت، نظارت و مالیات‌گذاری رزمزارها.

اقتضای اقتصادی-فنی: طراحی ابزارهای فناورانه مانند قراردادهای هوشمند برای مدیریت ریسک و تضمین پایداری منافع.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که وقف رزمزارها، با وجود چالش‌ها، در پرتو اجتهاد پویا و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، امکان‌پذیر و حتی فرصت‌آفرین است. این موضوع می‌تواند پیوندی نو میان سنت دیرینه وقف و اقتضانات اقتصاد دیجیتال برقرار سازد و زمینه‌ساز تحولی در نقش اجتماعی و اقتصادی وقف در جهان معاصر گردد.

## منابع قرآن کریم

۱. ابهری علی‌آباد، حمید و رضیان، علی. (۱۳۸۵). لزوم انطباق موارد جواز بیع عین موقوفه در قانون مدنی ایران با فقه اسلامی. مقالات و بررسیها، ۳۹(۸۰)، ص ۱۱-۳۲.
۲. اسدی، حمید و سلطانی، محمد. (۱۳۹۴). ماهیت حقوقی پرداخت در پول الکترونیک. پژوهشنامه حقوق اسلامی، (۴۱)، ص ۷۹-۱۰۲.
۳. آقاسی، محسن. (۱۳۹۵). وقف اموال غیرمادی در حقوق ایران و فقه امامیه: با مطالعه تطبیقی بر فقه اهل سنت و حقوق انگلیس. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. امامی، سید حسن. (۱۳۹۳). حقوق مدنی. جلد ۱. کتابفروشی اسلامیه. تهران
۵. برومند قهنویه، ح. (۱۴۰۴). بررسی وقف دارایی‌های نوین از سهام تا ارز دیجیتال. اولین همایش بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حقوق، علوم سیاسی و فقه و حقوق.
۶. جلیلی، عباس؛ پیله‌ور، مرضیه؛ صادقی شهپر، علی. (۱۴۰۲). بررسی ماهیت فقهی ارز دیجیتال و نقش آن در پیشگیری از جرم پول‌شویی. فقه جزای تطبیقی، (۱)۳، ص ۱۷-۲۹.
۷. خادمان، محمود؛ کوشا ابوطالب؛ نوری، فاطمه. (۱۴۰۰). شناسایی ماهیت حقوقی رمزارزها با تحلیل ساختاری آن‌ها در نظام حقوقی ایران. مجله حقوقی دادگستری، (۱۱۵)۸۵، ص ۳۴۹-۳۷۲.
۸. حسن زاده، علی و مجتهد، احمد و بغدادی، پویا و تقی زاده حصاری، فرهاد. (۱۴۰۰). پول و بانکداری نوین. انتشارات جنگل (جاودانه). تهران
۹. زاهدیان، مجتبی و یزدانی، محمد. (۱۳۹۲). بررسی مبانی مشروعیت مالکیت دوره‌ای در فقه و حقوق ایران. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، (۳۱)۹، ص ۴۹-۸۲.
۱۰. رهبر، مهدی و خطیبی، منیره. (۱۳۹۶). ماهیت پول از منظر فقه اسلام. دوفصلنامه علمی-پژوهشی فقه مقارن، س ۹(۵)، ص ۷۸-۱۰۴.
۱۱. رجبی، ابوالقاسم. (۱۳۹۸). ارز مجازی: قانون‌گذاری در کشورهای و پیشنهادها برای ایران، دفتر مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۱۲. رضایی، مهدیه و صدری، محمدو آقاجانی فناد، محمدرضا. (۱۳۹۲). وقف پول. مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۲(۴۶)، ص ۲۶۱-۲۷۷
۱۳. سعیدپورگیلوانی. (۱۴۰۲). بررسی مستندات فقهی ارز دیجیتال و احکام آن از دیدگاه امامیه (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). مدرسه علمیه تخصصی ریحانه النبی.
۱۴. سبحانی، حسن و قائمی‌نیا، علی اصغر. (۱۳۹۷). تأملی در منشأ ارزش بیت کوین از منظر اعتباریات علامه طباطبایی (ره). پژوهشنامه اقتصادی، (۷۰)۱۸.
۱۵. سلطانی فرد، محمدجواد و یوسفی، علی اصغر. (۱۴۰۴). بازپژوهی معناشناختی «مال» از منظر فقه امامیه. فقه و اصول، (۲)۵۷، ص ۱۷۰-۲۰۰.
۱۶. سلیمانی پور، محمد مهدی و سلطانی نژاد حامد و پورمظهر، مهدی. (۱۳۹۸). بررسی فقهی پول مجازی. (۱۲)، ص ۴۵
۱۷. سلیمی‌فر، مصطفی. (۱۳۹۸). نگاهی به وقف و آثار اقتصادی-اجتماعی آن. مشهد: آستان قدس.
۱۸. سید حسینی، سیدمحمد و ابراهیمی سالاری، تقی. (۱۳۹۵). نهادسازی نوین مالی برای وقف پول و اثر آن بر توسعه جامعه اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی، س ۸(۲۶).
۱۹. صالحی، فاطمه. (۱۳۹۵). اثر پول و بانکداری الکترونیک بر تقاضای پول، پایان‌نامه ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۳۹
۲۰. قلیچ، وحید. (۱۳۹۸). نگاهی به رمزارزها از پنجره فقه اسلامی. دو ماهنامه تازه‌های اقتصاد، (۱۵۷)، ص ۱۰۷-۱۱۱.
۲۱. محمودی، سید علی. (۱۴۰۱). بررسی فقهی صدق قبض و اقباض بر انتقال الکترونیکی اعتبار بانکی. پژوهش‌های فقهی تا اجتهاد، (۱۲)۶، ص ۲۹-۵۶.
۲۲. عسکری، قاسم. (۱۳۹۰). جایگاه وقف در فرآیند توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره). قم
۲۳. مجاهد، معصومه و رجب‌زاده، علی. (۱۴۰۳). تبیین ماهیت ارزش‌های دیجیتال در قوانین مالی و حقوقی ایران و تحلیل شبهات وارده بر آن از دیدگاه فقه اسلامی. در ششمین کنفرانس بین‌المللی و هفتمین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه رجا.
۲۴. میرزاخانی، رضا. (۱۳۹۶). بیت کوین و ماهیت مالی-فقهی پول مجازی. تهران: مرکز توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار.

۲۵. موسوی بجنوردی، سیدمحمد و صباغی ندوشن، مریم. (۱۳۹۴). شرط مالیت عوضین در صحت معاملات با رویکردی بر نظر امام خمینی (س). پژوهشنامه متین، ۱۶(۶۵)، ص ۴۵-۶۶.
۲۶. ملائکه پور شوشتی، سید محمد حسن. (۱۴۰۰) امکان وقف مالیت در پرتو تحلیلی نواز عقد وقف. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (۳)۵۱. صفحه ۵۸۷-۶۰۴
۲۷. ملایی پور، جواد. (۱۳۹۴). وقف سرمایه ای ماندگار. مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، قم
۲۸. نجفی، شیخ محمد حسن. (۱۴۱۲). جواهر الکلام فی شرائع الاسلام. جلد ۲. دار احیاء التراث العربی. بیروت
29. Dibrova, Alina. (2018). Virtual currency: new step in monetary development. \*5th International Conference on Leadership, Technology, Innovation and Business Management, Procedia – Social and Behavioral Sciences.\*
30. Fajri, A., & Yamin, M. (2019). Digital Currency like Bitcoin within the International Monetary System Field. *Verity: Jurnal Ilmiah Hubungan Internasional*, 10(20), 57-68.
31. Fletcher, Justin. (2013). *Currency in Transition: An Ethnographic Inquiry of Bitcoin Adherents* (Electronic Theses and Dissertations).
32. Ganne, E. (2018). *Can Blockchain revolutionize international trade?* Geneva: World Trade Organization.
33. Gikay, A. (2018). Regulating Decentralized Cryptocurrencies Under Payment Services Law: Lessons from the European Union. *Journal of Law, Technology, & the Internet*, 9(1), 1-35.
34. Hartge-Hazelman, B. (2018). Glenn Stevens says Bitcoins show promise, but so did tulips. *The Australian Financial Review*.
35. He, D., Habermeier, K. F., Leckow, R. B., Haksar, V., Almeida, Y., Kashima, M., & Yepes, C. V. (2016). Virtual Currencies and Beyond: Initial Considerations. *International Monetary Fund*, No. 16/3.
36. Narayanan, A., Bonneau, J., Felton, E., Miller, A., & Goldfeder, S. (2016). *Bitcoin and Cryptocurrency Technologies*. Princeton: Princeton University Press.